

## درس‌هایی از خشک‌سالی که نیاموخته‌ایم

اگر در شرایط کنونی که حدود ۹۰ درصد از گستره کشور با فاجعه کم‌نظیر خشک‌سالی روبه‌روست، به تدوین نقشه راه جدیدی دست نیابیم، پس در کدامین مجال دیگر خواهیم توانست؟ آیا باز هم باید چشم به چرخش بیشتر تلمبه‌های صادرات نفت و سوت مرگ‌بار واردات یا دوپینگ‌های گمراه‌کننده در سال‌های ترسالی بنشینیم؟

به گزارش سایت خبری پرسون، عبدالحسین طوطیایی- پژوهشگر کشاورزی نوشت:

پس از بارش‌های مناسب دو سال زراعی گذشته، بار دیگر خشک‌سالی چهره دژم خود را به اقلیم تف‌آلود کشورمان نمایاند. مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی گفت: امسال با یکی از کم‌بارش‌ترین سال‌ها در ۵۰ سال اخیر و با ۴۱ درصد کاهش نسبت به آمار بارندگی بلندمدت روبه‌رو هستیم. متوسط بارندگی سال زراعی جاری تاکنون تنها ۱۱۲ میلی‌متر بوده است. انتظار آن می‌رفت که در تنش‌های خشکی از نیمه دوم دهه ۷۰ به بعد، متولیان بخش کشاورزی فرصت‌هایی برای توسعه پایدار در حوزه مسئولیت خود تدارک ببینند. فرصت‌هایی که با ارزیابی درست از ظرفیت‌های موجود، بیش از ارائه نمایش‌های جذاب از روند امور، کانون‌های رصد و زعامت و نیز جامعه مصرف‌کنندگان را به صدای دلخراش کفگیر در ته دیگ جلب کنند.

اما وعده وزیر جهاد کشاورزی در بدو مسئولیت خود مبنی بر افزایش پنج میلیون تن بر تولید محصولات سال قبل، نشان از آن داشت که در همچنان بر پاشنه پیشین می‌چرخد. بدون تردید اگر وزیر محترم تنها به پیش‌بینی‌های هواشناسی برای سال زراعی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ عنایت می‌کرد، انتظار آن بود که هم از وعده‌های این‌چنین و هم از انتظارات انتزاعی از بخش کشاورزی بکاهد. آیا ایشان به‌جای وعده سه میلیون تن افزایش گندم در زراعت دیم پیش‌بینی روزهای کنونی را می‌کرد؟ روزهایی که کشاورزان دسترسی نیمه‌کاره خود را در مزارع گندم و با چشمانی اشک‌آلود، در اختیار دام‌های گرسنه می‌گذارند. مقایسه چانه‌زدن‌های تجاری شورای عالی اقتصاد برای تعیین نرخ خرید تضمینی گندم و از آن سو تعلیف دام‌ها در گندمزارهای در حال خوشه رفتن و دان‌بندی، حکایت از گسست تلخ راهبران و رهروان حوزه تولید دارد. شگفتا! اکنون هم فضای گزارش‌های رسانه‌ای از منابع رسمی بخش کشاورزی نشانی از بحران شدید خشک‌سالی نمی‌دهد.

خبرهایی که مخاطبان را در حیرت فرو می‌برد که آیا قسم‌های افزایش تولید دانه‌های روغنی، چغندر قند و... یا تعلیف از مزارع نارسیده گندم را بپذیرند. پرسش اصلی از متولیان حوزه تولید این است که اگر در شرایط کنونی که حدود ۹۰ درصد از گستره کشور با فاجعه کم‌نظیر خشک‌سالی روبه‌روست، به تدوین نقشه راه جدیدی دست نیابیم، پس در کدامین مجال دیگر خواهیم توانست؟ آیا باز هم باید چشم به چرخش بیشتر تلمبه‌های صادرات نفت و سوت مرگ‌بار واردات یا دوپینگ‌های گمراه‌کننده در سال‌های ترسالی بنشینیم؟ امیدواریم که متولیان بخش کشاورزی به جای نمایش نمودارهای بالاتر بر توان مدیریت خود، به دگرگونی و تدوین نقشه راه و با مشارکت تمامی صاحب‌نظران برای پایداری در نوسانات اقلیمی پیش‌رو بپردازند. نمودارهایی که سرافرازی آنها به سرافکندگی بیشتر منابع آب و در کوتاه‌مدت منجر می‌شود.

در این نقشه راه شاخص‌های نخ‌نمایی مانند عملکرد بالا و به هر قیمتی باید جای خود را به بهره‌وری پایدار و برداشت اقتصادی از واحد آب بدهد. مادامی که تحقیقات کشاورزی و نیز مدیریت‌های اجرائی تنها به افزایش عملکرد چشم دوخته و پایداری در کشاورزی و توجیه اقتصادی تنها زینتی کلیشه‌ای در گزارش‌ها به شمار می‌آید، مادامی که کشاورزان برتر هنوز آنانی هستند که به ضرب و زور آب و افراط در مصرف نهاده، عملکرد بالا می‌گیرند و مادامی که متولیان حوزه تولید آغاز و سرانجام سرنوشت این بخش را با محدوده زمانی جلوس خود گره می‌زنند، باید در انتظار بود که خشک‌سالی‌ها، بر لبان تف‌زده این بخش مهری از ایستایی و فرسایش بزنند، مگر آنکه در این هشدار آخرین به خود آمده و طرحی نو دراندازیم.